فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ۳۳۱-۳۱۵
New Period 4, No 29, 2020, P 315-331
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی نقش سازمان‌های مردم نهاد در تحقق حکمروایی مطلوب (ایران – تهران)

حمیدرضا محمدی[۱]. دکتر رضا پریزاد[۲]
۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی مسائل ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

چکیده
کشور ایران از جمله کشورهایی است که حاکمیت ساختار بسیط بر ارکان اجرایی و تقنینی آن موجبات بروز مشکلات عمده ای خصوصا در حوزه حکمروایی فراهم آورده است. نگاهی به مشکلات سطح تهران بعنوان فضایی که دولت همواره داعیه دخالت در امور آن را دارد نشان می‌دهد که مهمترین عامل آن، استیلا سازمان‌ها و نهادهای دولتی بر حوزه‌های غیر وظیفه ای به صورت ناکار آمد است که بعضا مشکلاتی ایجاد کرده است که راه برون رفت آن شکستن سلطه حکومت مرکزی بر مدیریت شهرها است. پژوهش صورت گرفته با برتافتن ابعاد سیاستی موضوع نشان می‌دهد که با گسترش قلمرو حکمروایی مطلوب در نهادهای قدرت و افزایش سازمان‌های مردم نهاد توام با درک صحیح از مولفه‌های حکمرانی خوب و تخصیص سهم بیشتری به مقوله مشارکت مردمی، میتوان به گره گشایی از بخش قابل توجهی از مسائل پیش آمده در سطح شهر تهران پرداخت.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌های مردم نهاد، حکمروایی مطلوب، جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی، شهر تهران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مقدمه

عبارت « سازمانهای غیر دولتی » با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در مادهٔ ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده است، به وجود آمده است و یکی از اولین سازمان های مردم نهاد در صحنهٔ بین الملل، « صلیب سرخ جهانی » است که در سال ۱۸۶۳ تاسیس شد و همچنین سازمان عفو بین الملل که بزرگترین سازمان حقوق بشر در جهان است، که این سازمان، یک انجمن جهانی از مدفعان حقوق بشر که بیش از ۱/۵ میلیون عضو، حامی و مشترک در ۱۵۰ کشور و مناطق مختلف جهان دارد (قوام، ۲۸:۱۳۸۲)؛ سازمان‌های مردم نهاد یا **NGOs** به اشکال و انحای مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی آن، به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره دارد ؛ البته امروزه از آنجا که اصطلاح « سازمان مردم نهاد » بسیار کلی است، بسیاری از این سازمانها ترجیح داده اند از اصطلاح سازمان داوطلبانهٔ خصوصی « **PVO** » یا سازمان توسعهٔ خصوصی « **PDO** » استفاده کنند؛ به هر حال « سازمان مردم نهاد » در کلی‌ترین معنایش، سازمانیست با شخصیت حقوقی مستقل، غیر دولتی، غیر انتفاعی و غیر سیاسی، که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بشر دوستانه و بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کند (گلشن پژوه، ۱۶:۱۳۸۹) و یا به تعبیری دیگر به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شوند، اما نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند (برایسون، ۱۵:۱۳۹۱). با توجه به ساختار تشکیلاتی سازمانهای مردم نهاد، که تفکر ساختاری آن در قالب امروزی از قرن بیستم رواج یافته است و توجه به این نهادها در راستای تفکرات دمومراتیک و همچنین مبانی حقوق اسلامی می‌باشد این تحقیق به بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در تحقق حکمروایی مطلوب در ایران پرداخته است.

پیشینه تحقیق

ریچارد برایسون ۱۳۹۱ در کتابی با عنوان «برنامه ریزی استراتژیک در سازمان‌های دولتی عمومی و غیر انتفاعی» به بررسی سازمان‌های دولتی عمومی پرداخته و در ادامه سازمانهای غیر انتفاعی که جزء سازمانهای غیر دولتی می باشند را مورد بررسی قرار داده و هدف از تشکیل این سازمانها و خصیصهٔ غیر دولتی بودن این سازمانها و همچنین چگونگی برنامه ریزی و مدیریتهای مربوط به آنها را مورد بررسی قرار داده است (برایسون، ۱۳۹۱). محمد رضا گلشن پژوه ۱۳۸۹ در کتاب خود با عنوان « راهنمای سازمانهای غیردولتی »، تعدادی از سازمانهای غیر دولتی معرفی کرده و در ادامه به اهداف تشکیل و ساختار تشکیلاتی آنها می پردازد (گلشن پژوه، ۱۳۸۹). سهراب رزاقی ۱۳۸۹ در کتاب خود با عنوان «جامعهٔ مدنی ایرانی گذر به کدام سو ، با طرح سوال چالش بر انگیز، البته با دیدگاه انتقادی به طرح چالشهای موجود در جامعه مدنی ایران می‌پردازد (رزاقی، ۱۳۸۹) و همچنین پیمان مجید زاده و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

همکاران ۱۳۹۲ در کتاب خود با عنوان « بانک اطلاعات سازمانهای مردم نهاد » با معرفی سازمانهای مردم نهاد محیط زیست و همچنین نهادهای حمایتی از زنان، کودکان، بیماران و. . . و اهداف تشکیل این نهاد ها را مورد بررسی قرار می دهد (مجیدزاده و همکاران، ۱۳۹۲). مقالۀ پژوهشی علی اسلامی میاندهی و همکاران ۱۳۹۳ در نخستین کنفرانس ملی توسعۀ کیفیت راهبردی فراگیر در سلامت غذا با عنوان « نقش **NGO** ها در توسعه فرهنگ استاندارد سازی و ارتقاء کیفیت مواد غذایی » به بررسی تأثیر گذاری و همچنین چگونگی ارتقاء کیفیت مواد غذایی می پردازد (اسلامی میاندهی و همکاران، ۱۳۹۳) و همچنین مقالۀ سعید خجسته ۱۳۸۰، با عنوان « نقش نهادهای مدنی و تشکل‌های داوطلبانه- مردمی در ارائه خدمات اجتماعی »، نقش نهادهای مرم نهاد را در ارائۀ خدمات اجتماعی، مورد بررسی قرار می دهد (خجسته، ۱۳۸۰) و همچنین بهزاد دماری و همکاران ۱۳۹۳ در مقالۀ خود با عنوان « نقش و عملکرد سازمان های مردم نهاد در حفظ و ارتقای سلامت جامعه » به نهادهادهای مردمی که در ارتقای سلامت دست اندرکار می باشند می پردازد (دماری و همکاران، ۱۳۹۳).

سازمان های مردم نهاد

مفهوم حکمرانی خوب دارای زمینه های بحث گسترده ای است و این عمدتا به زمینه های اداری امور عمومی یک کشور بر می گردد. برای اداره امور عمومی دو الگو وجود دارد: در الگوی نخست، حکومت مسئولیت تمام امور را برعهده دارد. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند .اما در الگوی دوم مسئولیت اداره امور عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. در این الگو هر سه بخش مذکور به گونه ای در تعامل با یکدیگر قرار دارند که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد (ایمانی جاجرمی و دیگران،:۱۳۸۱؛ ۲). زمینه شکل گیری حکمرانی خوب نیز در عرصه عمل به سطوح روابط میان حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی بر می گردد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش امکان بهتر زیستن و بهتر حکمرانی کردن را در عرصه کشورها فراهم می کند. اما پرسش این است که حکمرانی خوب در عرصه نظریه و تئوری چگونه پرداخته گردیده است؟

این مفهوم امروزه در عرصه نظریه، از دو متغیر اساسی در حال تاثیر پذیری است. از یک سو نهاد های بین‌المللی چون بانک جهانی داعیه پرداختن به ابعاد گسترده آن را در سر می‌پرورانند و از سوی دیگر واقعیت‌های حاکم بر عرصه های سیاست گذاری در کشورها، به صورت متغیر، تفاوت هایی را در عرصه نظریه برای این مفهوم ایجاد می‌کنندکه منجر به ایجاد سردرگمی در خصوص این مفهوم گردیده است. چنان که کارلوس سانتیسو معتقد است که مفهوم حکمرانی خوب هر چند که بصورت فزاینده ای مورد استفاده قرار گرفته و تعاریف ارائه شده از آن حداقل در حوزه تئوری و نظریه پیشرفته هستند ولی حدود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

آن نامشخص است. به نظر او تلاش متخصصانی که سعی کرده اند تعریفی بدون ابهام و عملیاتی از این مفهوم ارائه دهند، بواسطه گسترده بودن حوزه ابعاد و حد و مرز های این مفهوم ناکام مانده است و تعاریف ارائه شده به ایجاد سردرگمی در حد و مرز های این مفهوم بدل گردیده است، (سانتیسو، ۲۰۰۱: ۴). با این همه تئوری پردازان این مفهوم سعی کرده اند که ابعاد این مفهوم را تئوری پردازی کرده و متغیرهای کلیدی آن را تعیین کنند یعنی به نحوی مکانیسم های زیر بنایی آن رابصورت یک الگوی جهانی سازمان دهی کنند. بر این اساس سعی شده است کدهای حکومت خوب از طریق نظرسنجی از کشور های مختلف و با انجام پژوهش‌هایی گرداوری گردد (آگولرا و کورو- کازرا، ۲۰۰۴)، تا شاخصه های حکمرانی خوب مورد تایید استدلالی قرار بگیرد.

مبانی تشکیل سازمانهای مردم نهاد یا تشکل های غیر دولتی

جامعه مدنی، مجموعه متشکل از افرادی است که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را تشکیل می‌دهند و هدف از تأسیس این گروه‌ها، پیشبرد منافع و علایق و سلایق اعضاست (واعظی، ۳۷:۱۳۷۸). در مورد اینکه پیشینهٔ جامعه مدنی چه بوده، این واژه اولین بار به چه معنایی به‌کار رفته و در طول تاریخ دارای چه تحولاتی بوده است، اختلافات بسیاری وجود دارد. برخی قدمت مفهوم جامعه مدنی را به آغازین روزهای تشکیل حکومت در جامعه انسانی که بنا بر قولی از زمان نوح نبی، بوده بر می‌گردانند (همان، ۹). گروهی دیگر، پیشینهٔ این نوع از جامعه را ۳۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد قلمداد کرده و می‌گویند، اولین جوامع در میان جامعه شورایی سومری‌ها در بین‌النهرین با پیدایش اولین پولیس‌ها «دولت شهرها»، محقق گردید. بعضی دیگر افلاطون را اولین کسی می‌دانند، که از جامعه مدنی یاد کرد و مدینهٔ فاضله خود را به آن نام‌گذاری کرد و گروهی دیگر نیز برای ارسطو چنین ابداعی را قائلند. در مقابل این نظریات، گروهی دیگر، جامعه مدنی را محصول دنیای مدرن بعد از سده‌های دوازده و سیزده دانسته و برآنند که بین تمدن‌های باستانی، چه شرقی و چه غربی، اساساً جامعه مدنی سابقه‌ای نداشته است (معصومی و میراحمدی، ۳۹:۱۳۷۸). به هرحال تاریخ پیدایش دموکراسی لیبرال یا جامعه مدنی، در کشورهای غربی به درستی معلوم نیست ؛ اما سده هیجدهم را می‌توان دوران مهمی در پیدایش دولت‌های دموکراتیک و جامعه مدنی دانست. دیدگاه گیتی‌گرا و لائیک در سده هیجدهم که دوران روشنگری بود، جهانی بودن حقوق بشر را مطرح کرد. حقوق بشر با انقلاب فرانسه به قلمرو مدنیت راه یافت و مفهوم شهروندی، با حقوق و مسؤلیت وابسته به آن، اهمیت ویژه ای پیدا کرد (پیرنظر، ۲۱:۱۳۷۹). در نیمه دوم سده هیجدهم، تحولی در همانند پنداری جامعه مدنی با دولت، که تا آن زمان مرسوم بود، به وجود آمد و تلقی جدیدی از جامعه مدنی که آن را عرصه‌ای مستقل و مجزا از دولت می‌دید، در آثار تام پین، آدام اسمیت، آدام فرگوسن و جان لاک، جوانه زد و سرانجام توسط هگل، فضای مفهومی جدیدی از جامعه مدنی به تفصیل بیان شد و در اواخر دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به همراه تحولات اروپای مرکزی و اروپای شرقی، حیاتی تازه در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مفهوم جامعه مدنی دمیده شد و جامعه مدنی در قالب تشکل های مردمی به عنوان واکنشی در برابر تمامیت خواهی، به‌ویژه تمامیت خواهی حکومت‌های سوسیالیستی، ظهور یافت (افروغ، ۴۷:۱۳۸۰).

منظور از جامعه مدنی در قالب تشکلهای مردمی، به مفهوم نهادهای واسط میان مردم و دولت، که مجموعه‌ای متشکل از افرادی که با اراده و انتخاب خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را تشکیل می‌دهند و مجموعه‌ای از نهادها و تشکل‌ها، که فارغ از دخالت قدرت سیاسی حاکم وجود دارند، می‌دانند. بنابراین نگرش، نهادهای جامعه مدنی در واقع سازمان‌هایی هستند، غیر دولتی که می‌توانند در قالب انجمن، باشگاه، اتحادیه، صنف، حزب، مؤسسات فرهنگی و سازمان‌های غیر دولتی ظاهر شوند. متفکرین قرن نوزدهم مانند دو توکویل دریافتند که دولت‌های متجددی که بر پایه دموکراسی بنا شده بودند، بسیار قوی‌تر و پر قدرت‌تر از آن هستند، که پیش بینی می‌شد (واعظی، ۳۶:۱۳۷۸) ؛ بنابراین خواستار تقلیل قدرت دولت در یک جامعه مدنی شدند. دوتوکویل برای تحت کنترل گرفتن قدرت دولت، مهم‌ترین طریق را نهادها و سازمان‌های غیر دولتی، که به طور داوطلبانه مسؤلیت اداره امور مدنی خود مردم را در دست دارند، دانست و الگوی جامعه مدنی او بر محور فعالیت و گسترش عملکرد سازمان‌های غیر دولتی در یک جامعه، شکل گرفت ؛ که این سازمان ها رابطه بین جامعه و دولت را تضمین می‌کنند (مولانا، ۸۷:۱۳۸۲). بنابر الگوی دوتوکویل، این نهادها، از طرفی تنظیم کنندهٔ خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود هستند و از طرف دیگر منعکس‌کننده این خواست‌ها و دیدگاه‌ها، به نظام سیاسی حاکم و جامعه، جهت مشارکت مؤثر در تصمیم گیری‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشند. البته باید در نظر داشت استقلال این سازمان‌ها از دولت، به معنای آزادی عمل کامل آنها نیست ؛ بلکه بدین معناست که بر مبنای قوانین حاکم در جامعه و حاکم بر چگونگی عملکرد آنها، این سازمان‌ها تشکیل می‌شود و در حیطه مشخص خود، بر مبنای صلاحدید اعضای خود، تصمیم می‌گیرند و در جهت تحقق اهداف خود، وارد عمل اجتماعی و سیاسی می‌شوند. چنین سازمان‌هایی از طرفی از افراط و تفریط اعضای خود در رابطه با خواست‌های نامعقول جلوگیری می‌کنند و از طرف دیگر، مانع انحصار قدرت در دست یک قشر یا گروه خاص شده و از خودکامگی‌ها جلوگیری می‌کنند و رقابت‌های سالم و قانونمند را در جامعه جانشین رقابت‌های سیاسی و صنفی ناسالم می کنند که این تفسیر، بر محدود ساختن قدرت حاکمه از جانب نهادهای مردمی تاکید دارد و تلقی نوینی است که تا آن زمان ارائه نشده (معرفت، ۱۹:۱۳۷۸) و می تواند مبنای تشکیل نهاده و تشکل های مردمی دانست.

بنابراین در جامعه امروزی، مبنای تشکیل نهادها و تشکل های مردمی یا تفکری که معمولا در مقابل دولت به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی و مجموعه ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های وابسته به دولت، در قالب نهادها و تشکل‌های خصوصی و مدنی و غیرخصوصی متشکل می‌گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

بررسی وضعیت حکومت محلی در شهرتهران از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب

پیشروی نظام های مدیریت محلی در سطح شهرها در کشورهای پیشرفته، وضعیت متفاوتی با آن چه که در کشورهای جهان سوم رواج دارد، ایجاد کرده است. امروزه در سطح جهانی موضوعات روزی مد نظر کارشناسان مسائل شهری قرار دارد که با نیاز های آینده شهروندان مطابقت جویی می‌کند. در حالی که همین وضعیت در کشورهای جهان سوم به گونه دیگر رقم می‌خورد. در این خصوص می‌توان به تحقیقاتی اشاره کرد که اتحادیه اروپا منتشر کرده است. «فرزین پاک» با اشاره به یک نظرسنجی از مردم اتحادیه اروپا در خصوص موضوعاتی همچون حکمروایی شهری، حمل ونقل عمومی، ساخت محیط زیست پایدار و میراث فرهنگی، بیان می‌کند که شهروندان پیشنهادها مفیدی در خصوص هر کدام از این موارد ارائه کرده اند که نشان می‌دهد سیستم حکمروایی شهری در این جوامع، دنبال چه موضوعات است. بعنوان نمونه عمده خواسته شهروندان درخصوص حکمروایی شهری، بر این قرار داشته است که سیاستمداران باید پول بیشتری برای موارد زیر خرج کنند:

الف- انتشار اطلاعات

ب- سازماندهی گردهمایی ها و شنیدن آراء عمومی

ج- گسترش ابزار ها و روش های ابتکاری

د- آموزش اصولی به شهروندان در روند تصمیم سازی(فرزین پاک: ۵۳) .

این در حالی است که نتنها شهروندان در جوامع سنتی با این مفاهیم عملا بیگانه هستند، بلکه نظام حاکم نیز بدنبال ایجاد چنین نیاز هایی در شهروندان نیست. روی آوردن نظام های سیاستگذاری شهروندی در کشورهای پیشرفته با مدعا قرار دادن شاخص های حکمرانی خوب شهری، نوعی از حکومت محلی مطلوب را در نظر دارد که بر اساس آن مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، اجتماع گرایی، اثر بخشی و کارایی، مدیریت عمومی قوی، تمرکز زدایی از قدرت و منابع، جامعیت مدیریت شهری و اتخاذ سیاست‌های پایداری، اساسی ترین مبانی یک حکمرانی مطلوب به شمار می‌آید که نمونتا در بخش‌های قبل با اشاره به وضعیت حکومت محلی در کشور ژاپن و انگلیس آن را بیان کردیم. حوزه وسیع اختیارات حکومت محلی در دو کشور مذکور عملا ثبات و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را برای این دو کشور، بدون نگاه به ساختار قدرت آنها (فدرال یا بسیط) رقم زده است. حال این که در ایران با جایگاهی که قانون اساسی برای شوراها (بعنوان نهادهایی محلی) در نظر می گیرد، تناقضی اساسی با قوانین عادی موضوعه، ایجاد می‌گردد. این در حالی است که سابقه تمرکز زدایی و شکل گیری حکومت های محلی به اولین دوره مجلس شورای ملی و تصویب قانون ایالات و ولایات و قانون بلدیه بازمی گردد، هر چند که، نهادهای مذکور از توان و استقلال کافی برای ایفای نقش خود برخوردار نبوده اند اما این ضعف با تحولی که در عرصه مدیریت امور عمومی کشور بواسطه انقلاب اسلامی ایجاد گردید و اختصاص چندی از مواد مهم قانون اساسی به شوراها در پوشش اداره امور جامعه و همکاری در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

تسریع برنامه‌های هفت گانه، این امید را در عرصه عملیاتی سیاست‌های محلی بروز می‌داد که مدیریت امور مرتبط با زیست شهری مردم در یک رویکردی شورایی به مردم واگذار گردد؛ ولی بواسطه عوامل متعددی، آنچه که شایسته شوراها و مردم، از متن قانون اساسی بود، حاصل نگردید. این ضعف خصوصا در عرصه کلان شهرها که روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی از سطح پیچیدگی بالاتری برخوردار است خود را به خوبی نشان می‌دهد که در این میان سهم شهر تهران، از دیگران بیشتر است.

امروزه شهر تهران بعنوان کلانشهری که می‌بایست نقش بین المللی در سطح منطقه و نقشی ملی در داخل کشور ایفا کند، برخوردار از مسائل و مشکلات عدیده است، که عمدتا بواسطه عدم شکل گیری شورای اسلامی قدرتمند و شکل گیری حکومت محلی مطلوب است. در این حال سازمان های مردم نهاد فعال در شهر تهران بعنوان یکی از پایه های محوری و اساس حکومت شایسته محلی، در قبال برخی از مسائلی که در تهران وجود دارد، کمترین سطح از دخالت را دارند. در ادامه به بررسی وضعیت این سازمان ها در ایران و به طبع ان در تهران می پردازیم.

سازمان‌های غیردولتی و فرصت‌ها و موانع حکمروایی مطلوب در ایران و تهران

نهادهای اجتماعی به ویژه نهادهایی که به صورت خود جوش از بطن و متن جامعه رویش پیدا می کنند آثار ماندگاری را در ساخت جامعه برجا می‌گذارد. این نهادها بعد از پیدایش خود، مناسبات و شکل ساختاری جوامع را تحت تاثیر قرار می دهند و حاکمان سیاسی را به عنوان تدبیر کنندگان امور جامعه، ملزم به تدابیری برای حذف، پذیرش، تعدیل، سازگاری و. . . می‌سازند. سازمان های مردم نهاد نیز به عنوان یک پدیده جهانی بوده و در ایران هم شکل جدید و مدرن ان ها رواج و گسترش یافته بنا به اقتضائات و ضروریاتی در ساخت جامعه جهانی و به ویژه جامعه ایرای شکل گرفته اند. افزایش آگاهی های اجتماعی، ناکارآمدی مدیریت یکجانبه از سوی دولت، ضرورت مشارکت های مردمی در پیشبرد امور و. . . از جمله عللی محسوب می شوند که باعث ایجاد سازمان های مردم نهاد شده اند. رویکرد غالب نسبت به سازمان‌های مردم نهاد یک رویکرد مثبت و سازنده است. در این رویکرد، این سازمان‌ها در کنار نظام های سیاسی، شرایطی را فراهم می اورند که در مجموع باعث افزایش رضایتمندی شهروندان خواهد شد. در ادامه به تشریح کارکردها و مزایای مثبت و موانع این سازمان ها در ایران می پردازیم.

مزایای سازمان های مردم نهاد

حلقه واسط میان جامعه و حکومت

سمن ها نهادهایی اند که در متن جامعه و بر اساس نیازهای انها شکل می گیرند و برحسب اهدافی که برای فعالیت‌های خود در اساسنامه تاسیسی تدوین می کنند به فعالیت در حوزه مسایل اجتماعی می‌پردازند. ویژگی عمده سمن‌ها در این حوزه ان است که تقاضاها و نیازهای اجتماعی را گردآوری و تدوین می‌کنند

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

و انها را برا اساس اولویت های موجود و بالفعل، تقسیم بندی و برای نیازمندی های بالقوه برنامه ریزی می‌کنند. همواره یکی از مشکلات حکومت‌هایی که بر جوامعی با ساختارهای توده ای و بی شکل حکمرانی می‌کنند آن است که نمی‌توانند به طور دقیق به تشخیص نیازها و تقاضاهای اجتماعی جامعه تحت حاکمیت خود اگاهی پیدا کنند. چنین رویه ای در این نظام ها باعث می‌شود که در دراز مدت به دلیل همین عدم اگاهی و به تبع آن مدیریت ناکارآمد و تبعیض آمیز، هرچند به صورت ناخواسته، زمینه را برای نارضایتی عمومی فراهم می اورند. سمن ها با تکیه بر این کارکرد ، یکی از عواملی اند که می‌توانند باعث افزایش توانمندی نظام سیاسی در راستای پاسخگویی مناسب به نیازها و تقاضاهای اجتماعی مردم شوند. بنابراین از این حیث، سمن ها در هماهنگی با سایر نهادهای جامعه مدنی نه تنها رقیبان ساختار سیاسی محسوب نمی شوند، بلکه در کنار حکومت و به عنوان پل ارتباطی میان جامعه و حکومت می توانند نقش موثری در کاهش آلام اجتماعی و رفع نابسامانی های آن داشته باشند. (امیر احمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۲۵) وجود سمن ها و عملکردهای مثبت آنان به معنای تحکیم این پل ارتباطی است و در مجموع ساختار اجتماعی به هم پیوسته و منسجمی را ایجاد می کنند که در ان سیاستگذاری‌ها و تصمیم گیری‌های حاکمان، منطبق با تقاضاها و نیازهای واقعی جامعه است.

نقد عملکرد حکومت

غیر سیاسی و غیر حکومتی بودن سازمان های مردم نهاد طبق تبصره های ۲ و ۳ ماده (۱) آئین نامه اجرایی سازمان های مردم نهاد به این معناست که اجزای حکومتی در تاسیس و اداره سمن ها دخالتی نداشته باشند و همچنین سمن ها به عنوان شخصیت حقوقی حق فعالیت سیاسی ندارند. منظور از فعالیت سیاسی در این ائین نامه حضور در رقابت های انتخاباتی با توسل به شخصیت حقوقی سازمان است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعضای سازمان‌های مردم نهاد می توانند به عنوان اعضای سمن‌ها و نیز شهروندان جامعه بر عملکرد نهادها و سازمان ها در حوزه تخصصی خود نظارت داشته باشند و در صورت لزوم، آن عملکرد ها را نقد کنند. به عبارت دیگر بعد از سیاستگذاری ها و اتخاذ تصمیمات توسط دستگاه‌ها و اجرایی شدن آنها، سازمان های مردم نهاد در کنار سایر نهادهای اجتماعی به بررسی و نقد عملکردهای دولت بپردازند. (مقنی زاده، ۹:۱۳۸۰)

سازمان های مردم نهاد که بر اساس اهداف و علایق خاصی شکل گرفته اند صرفا از زاویه علایق و اهداف خود به بررسی و نقد عملکرد حکومت می‌پردازند، اما احزاب سیاسی به واسطه اینکه دارای وجوه چندگانه و چند لایه اند تصمیمات، سیاستگذاری‌ها و عملکردهای حکومت را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی مورد ارزیابی و انتقاد قرار می دهند. البته این نکته نیز بدیهی است که سازمان های مردم نهاد بدون انکه متاثر از جریان ها و احزاب سیاسی خاصی قرار بگیرند یا در انها عضویت داشته باشند تلاش می کنند احزاب را نسبت به مشکلات و اهداف سازمان خود واقف و همراه سازند و از طریق آنان بر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فرآیند قانونگذاری و اجرای قوانین مشارکت داشته باشند. این مشارکت و همکاری لزوما به معنای سیاسی شدن فعالیت سمن ها نیست، هرچند می تواند به صورت بالقوه زمینه سیاسی شدن و انحراف فعالیت سمن‌ها را از وظایف اصلی فراهم اورد که میتوان به عنوان یک آسیب جدی به ان نگریست.

افزایش آگاهی های اجتماعی مردم

یکی از راه هایی که سازمان های مردم نهاد برای افزایش سطح فرهنگ عمومی و مشارکتی مردم به کار می برند، افزایش آگاهی های اجتماعی است. حضور فعالانه و اگاهانه در تحقق اهداف اجتماعی در جوامعی امکان پذیر است که نسبت به مبانی فکری عمل خود وقوف داشته باشند. کمک به پیشبرد اهداف سازمان های غیرحکومتی و مردم نهاد هنگامی جامعه را به سمت توسعه یافتگی سوق می دهد و هزینه های آسیب پذیریش را به حداقل می رساند که مردم نسبت به تمامی این رفتارها و ضرورت های مشارکت فعال و مسئولانه در ان اگاهی داشته باشند. ممکن است تعداد بسیاری از اعضاء جامعه به بسیاری از مشکلات اجتماعی مبتلا نباشند، اما عدم ابتلا به یک مشکل، به لحاظ اخلاق اجتماعی نباید منجر به بی تفاوتی نسبت به مبتلابان آن توسط سایر اعضای جامعه شود. مطابق با آموزه های اخلاق اسلامی، همه مسلمانان نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و بر همین اساس، عدم ابتلا دلیل موجهی برای بی توجهی به مشکلات دیگر شهروندان نیست. در این حال سازمان های غیردولتی در کنار کارگروه های تخصصی کارکرد اموزشی نیز دارند، آنها از طریق مختلف همچون انتشار بولتن، روزنامه، کتاب، مجله و انتقادهای صریح و شفاف و عالمانه از سیاست های حکومت، مستقیم و غیرمستقیم بر آگاهی‌های اجتماعی مردم می افزایند. در چنین شرایطی، مشارکت مردم تابعانه و ناگاهانه نیست، بلکه مشارکت و رفتارهای مردم با ابتلا به آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به رفع مشکلات سایر شهروندان صورت می گیرد. نتیجه چنین رفتار اجتماعی آگاهانه ای آن است که مردم خودشان را نسبت به رفتارها و پیامدهای آن، مسئول احساس می‌کنند و در مواقع بحرانی در کنار حکومت و سایر نهادهای اجتماعی برای رفع آن بحران می‌کوشند. در حالی که اگر چنین رفتار اگاهانه ای وجود نداشت طبعا هیچکس اعم از دولتمردان و مردم خودشان را نسبت به انچه در جامعه حادث می شود مسئول و پاسخگو نمی دانست.

موانع پیش روی سازمان های مردم نهاد

مانع فرهنگی

با وجود زمینه‌های مناسب مذهبی و تاریخی، ایرانیان در زمینه انجام فعالیت‌های جمعی و گروهی و علی‌الخصوص فعالیت‌های غیرانتفاعی از شرایط فرهنگی مناسبی برخوردار نبوده‌اند. از یک سو فرهنگ سیاسی ایران فرهنگی پویا و حساس نسبت به عملکرد حکومت‌ها نبوده است. در ایران علیرغم تحولات سیاسی و اقتصادی در نگرش مردم نسبت به ساختار سیاسی تغییر بنیادینی صورت نگرفته و سنت حکومت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

خودکامه تداوم یافته است. در چنین فرهنگی احساس وجود فاصله میان مردم و حکومت از عمده‌ترین ویژگی‌هاست که موجب بیگانگی و ترس می گردد. این فرهنگ سیاسی که حول محور قدرت دور می‌زند از یک سو در مراحل اولیه جامعه پذیری و بی اعتمادی عمیق در روابط انسانی ایجاد می‌کند (بدلیل نوع شخصیت اقتدار طلب و فرصت طلب که می‌پرورد) و از سوی دیگر در مراحل بعدی از فرد می‌خواهد که به حکم فرصت‌طلبی و تأمین امنیت فردی نسبت به حکام و نهادهای سیاسی ایمان و اطاعت نشان دهد. لذا در شرایط بی اعتمادی اگر سازمان‌ها و تشکیلاتی پیدا شوند خود مبتنی بر رابطه آمریت و اطاعت محض خواهند بود. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۶۱:۱۳۸۰) از سوی دیگر وضعیت جغرافیایی خاص ایران که به عنوان چهارراه تاریخ تمدن بوده و در مسیر تجارت و تهاجم دیگران قرار داشته است، به انضمام سنت کشاورزی و زراعت پیشگی ایرانیان که نوعی روحیهٔ سازگاری را در آنان ایجاد کرده است. (بازرگان، ۳۱: بیتا)

از طرف دیگر از آنجا که محدودهٔ هر کس قطعه زمینی است این قطعه زمین نوعی دوری از سایرین و خود اتکایی به کشاورز می‌بخشد و این عدم احتیاج و ارتباط موجبات روحیه تک زیستی و عدم اتحاد را فراهم و نوعی تفرقه اجتماعی در میان ایرانیان مشاهده می‌شود. (پیشین:۳۱) همه این عوامل به همراه روحیه تجمل‌گرایی و راحت طلبی که در سال‌های اخیر در جامعه ایران حاکم گشته است دست به دست هم داده‌اند تا سطح «سرمایه اجتماعی» که مبنای اصلی شکل‌گیری فعالیت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی می‌باشد در جامعه کاهش پیدا کند.

مانع سیاسی

سازمان‌های غیردولتی در ماهیت خود به نوعی تقابل با قدرت مطلقه دولت محسوب می‌شوند و در کشوری مثل کشور ما که حکومت همیشه غلبه کامل داشته این چالش کار ساده‌ای نیست. (کولایی ؛۸:۱۳۷۹) در جامعه ما نیز حکومت سازمان‌های غیردولتی را در تقابل با خود می‌بیند، به این دلیل است که ما با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم. در کشورهایی که سازمان‌های غیردولتی گسترده‌ای دارند تشکل‌ها زیر چتر حمایت دولت فعالیت می‌کنند چرا که دولت‌ها برای گسترش جامعهٔ مدنی تلاش می‌کنند. به عنوان مثال در تایلند ۱۸۰۰۰ سازمان غیردولتی وجود دارد که از طرف دولت حمایت می‌شوند.

دولت‌هایی که با گروه‌های اجتماعی فعال در جامعه و تشکیلات منسجمی روبه رو بوده‌اند نسبت به اتخاذ یا اجرای سیاست‌های خود دقیق بوده و می‌دانند که در مقابل لغزش‌های خود می‌بایست پاسخگو باشند. برخلاف اصل مزبور در ایران در دهه های اخیر به جای آنکه گروه‌ها به شکل دهی ساز و کار سیاسی بپردازند این دولت بوده که با تکیه بر درآمدهای نفتی به طور مستقل سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کرده و به شکل دهی ساختار اجتماعی اهتمام می‌ورزیده است. (میرآقایی: پیشین:۵۳) ساخت سیاسی نیز مانع از شکل‌گیری گروه‌ها بوده است. (میرآقایی: پیشین:۵۳)بخش دولتی نمی‌خواهد سازمان‌های غیردولتی در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

جایگاه خودشان قرار بگیرند و تا شرایط را فراهم می‌بینند می‌خواهد طلیعه‌دار بخش غیردولتی هم باشد. (شعبانی:۵۰) در تاریخ معاصر ایران در دوره‌های خاصی با باز شدن فضای سیاسی گروه‌ها و تشکل‌های زیادی مجال رشد و ظهور پیدا کردند ولی شگفت آنکه حاصل فعالیت آن‌ها منجر به ظهور دولت‌های مستبد شده است. (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۱:۶۰)

از سوی دیگر تعریف روشنی از ساز و کار، اهداف و فعالیت یک سازمان غیردولتی در جامعه وجود ندارد. از جمله اینکه اصولاً یک نهاد غیردولتی می‌تواند کارکرد سیاسی داشته باشد. (ماشینی:۷)این امر راه را برای اعمال سلیقه مسئولان دولتی در خصوص این سازمان‌ها باز می‌گذارد.

موانع درونی

اصولاً سازمان‌های غیردولتی همانند سایر جلوه‌های تمدن جدید همچون هنر و سیاست و فلسفه، علم در ایران روند طبیعی تشکیل را طی نکرده‌اند. یعنی به دلیل وارداتی بودن، به همراه شکل‌گیری آن‌ها فرهنگ، دانش، اخلاق و ساختار متناسب با آن شکل نگرفته است. آنچه که از فرهنگ ایرانی نشأت گرفته است سازمان‌های اجتماعی یا محلی بوده‌اند که با توجه به تغییر شرایط اجتماعی قادر به پاسخگویی به نیازهای نوین نمی‌باشند. با این حال برخی از شرایط حاکم بر این سازمان‌های اجتماعی و محلی به درون سازمان‌های غیردولتی رخنه کرده‌اند و این امر موجب بروز مشکلاتی جدی سازمان‌های غیردولتی شده که کارایی و اثر بخشی آن‌ها را تنزل داده است. در ذیل به برخی از عمده‌ترین این مشکلات اشاره می‌شود:

الف – کلی بودن و مبهم بودن اهداف و وظایف

کلی بودن اهداف و وظایف یکی از مسائلی است که در اساسنامه اکثر سازمان‌های غیردولتی در ایران قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد با بررسی اهداف مندرج در اساسنامه سازمان غیردولتی بتوان به معیاری مطمئن برای ارزیابی میزان تعهد سازمان نسبت به انجام فعالیت‌ها دست یافت. هر چند در برخی از موارد بیان اهداف و وظایف به صورت کلی برای احتراز از سخت‌گیریهای نهادهای دولتی در اعطای مجوز صورت می‌پذیرد؛ با این حال هر چقدر که اهداف و وظایف جنبه شعاری بیشتری داشته باشند ظاهراً تعهد سازمان مربوطه نسبت به انجام دادن فعالیت‌های عملی و مؤثر کمتر است. سازمان‌های غیردولتی عموماً تعریفی شفاف از مفاهیمی همچون اهداف، راهبردها، ساختار سازمانی و برنامه‌های عملیاتی ندارند و فعالیت‌های آنها عمدتاً به شکل سنتی و در جهت ارضای نیازهایی که بصورت روزمره مطرح می‌گردند انجام می‌پذیرند.

انسان‌ها در بسیاری از موارد به چیزهایی که می‌گویند باور ندارند. (راسخ:۲۲۴) این مسئله در مورد سازمان‌های غیردولتی نیز صادق است. در خیلی از موقعیت‌ها شعارهای زیبا برای کسب یک موقعیت،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

دریافت یک وام دولتی و یا اینکه حتی برای ارضای نیازهای درونی و روحی صورت می‌پذیرد و هیچ گونه تعهدی نسبت به عملی کردن آن شعارها وجود ندارد.

ب- ضعف مدیریت

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از ضعف مدیریت رنج می‌برند. این مشکل در سازمان‌های مختلف به اشکال متعددی بروز پیدا می‌کند. بسیاری از مدیران موسسات یک نگاه کاسب کارانه به سازمان‌های غیردولتی دارند. (محمدی: پیشین:۵۳) و به کار گروهی اعتقاد ندارند. این نوع نگاه در کوتاه مدت باعث ضعف عملکرد سازمان و در بلند مدت موجب انحراف سازمان از اهدافی می‌گردد که سازمان برای خود تعیین کرده است. در بسیاری از سازمان‌ها مدیران و مؤسسان سازمان در دسترس نیستند و برقراری تماس و ارتباط با آن‌ها مشکل است. اگر این مسئله را نیز مورد توجه قرار دهیم که خیلی از سازمان‌ها دچار نخبه گرایی هستند و فعالیت‌های آنها قائم شخص می‌باشد؛ اهمیت موضوع فوق روشن‌تر می‌گردد. به علاوه این موضوع موجب می‌گردد تا در صورت کناره‌گیری مؤسسان از فعالیت در سازمان یا ورود آن‌ها به سایر عرصه‌های اجتماعی فعالیت سازمان دچار اختلال و یا حتی توقف روبه رو گردد.

به عنوان مثال یکی از سازمان‌های غیردولتی فعال دربلغارستان، سازمان «**Ecoglasnost**» بودکه نقش عمده‌ای در مردم سالار ساختن این کشور برعهده داشت. پس از آن بسیاری از فعالان این جنبش وارد عرصه سیاست شدند و اکنون عضو ائتلاف حاکم هستند و این جنبش از هم پاشیده است. لذا ممکن است سازمان‌های غیردوولتی درست در زمانی که انتظار می‌رود شروع حاکمیت مردم سالار به آن‌ها نیروی بیشتری ببخشد با تنزل قوا مواجه شوند.

این بدان معناست که یکی از مهم‌ترین چالش‌های روی سازمان‌های جامعه مدنی در چنین دوره‌هایی، یافتن و معرفی طبقات جدید رهبری برای جایگزین کردن نیروهایی است که وارد سایر عرصه‌ها شده‌اند. اگر سازمان‌های غیردولتی نتوانند خانه خودش را منظم حفظ کند چگونه می‌تواند انتظار داشته باشد دولتی که سازمان مربوطه سعی در تأثیرگذاری بر آن را دارد بهتر عمل کند؟

این مسئله‌ای است که « انجمن حمایت از حقوق کودکان » با اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی که از مؤسسین این انجمن بود با آن روبرو شد. هرچند انجمن به دلیل برخورداری از ساختار مردم سالار و با بهره‌گیری از نیروهای با انگیره و فعال خود توانست از این موضوع به عنوان فرصتی برای تقویت ارتباطات بین‌المللی خود سود ببرد. همچنین انتخاب خانم «معصومه ابتکار» ـ که از فعالان سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی ـ به ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست موجب تقویت سازمان‌های غیردولتی و بهبود ارتباط این سازمان‌ها با سازمان مربوطه گردید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

پ- فقدان اعتبار و نداشتن پایگاه اجتماعی

برخی از سازمان های غیر دولتی از اعتبار کافی برای انجام فعالیت در حوزه‌هایی که برای خود تعیین کرده‌اند برخوردار نیستند و نوع شعارها با توان سازمان تناسب چندانی ندارد. بعلاوه نداشتن پایگاه اجتماعی در میان مردم موجب عدم استقبال از فعالیت سازمان و در نتیجه افت کارایی این سازمان‌ها می‌گردد.

از سوی دیگر بسیاری از سازمان‌های غیردولتی با جوامع هدف خود بویژه فقرا و محرومان از ارتباط و وابستگی کافی برخوردار نیستند. این امر از یک سو موجب بیگانگی سازمان با جوامع هدف و نیازهای مربوطه و از سوی دیگر موجب بیگانگی جوامع مذکور با سازمان مورد نظر و در نتیجه عدم استقبال کافی از فعالیت‌های سازمان می‌گردد.

ت- فقدان تخصص و مهارت های حرفه ای

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از تخصص کافی برای فعالیت در حوزه‌های مورد نظر خود و یا تخصص‌های لازم برای انجام کار گروهی و سازمان برخوردار نیستند. بهره‌گیری از علوم جدید به طور مناسب انجام نمی‌پذیرد. استفاده از اینترنت محدود است. بسیاری از سازمان‌ها از سایت اینترنتی برخوردار نیستند؛ سازمان‌هایی هم که دارای سایت هستند استفاده کافی و مناسب از امکانات آن به عمل نمی‌آورند. ارتباطات این سازمان‌ها هنوز با استفاده از روش‌های سنتی صورت می‌پذیرد. دانش کارجمعی در این سازمان‌ها وجود ندارد و بسیاری از فعالیت‌ها براساس تجربه و آزمون و خطا انجام می‌شوند.

روش‌های گزارش دهی و گزارش نویسی رایج در میان این سازمان‌ها ضعیف است که این امر موجب می‌شود تا جذب بودجه از پروژه‌های بین‌المللی مشکل باشد. (شعبانی:۵۴) روابط عمومی این سازمان‌ها ضعیف است و با تکیه به روش‌های سنتی انجام می‌پذیرد. این مسئله نیز باعث ضعف سازمان در معرفی خود و برقراری ارتباط با جامعه می‌گردد. این امر به نوبه خود موجب کاهش تأثیرگذاری این سازمان‌ها در جوامع هدف و انحراف از رسالت سازمان می‌شود.

روش‌های تأمین منابع مالی نامناسب و حتی در پاره‌ای از موارد غیراخلاقی هستند. بعضاً مشاهده می‌شود که کارکنان سازمان‌ها به در منازل افراد مراجعه می‌کنند و اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌نمایند. در مواردی نیز با مراجعه مستقیم به رهگذاران از آنها درخواست کمک می‌شود. این امر به وجهۀ سازمان در جامعه صدمه می‌زند و بیگانگی هر چه بیشتر مردم با این سازمان‌ها را به دنبال خواهد آورد. ارزیابی مستمر و مداوم از فعالیت‌ها صورت نمی‌پذیرد. این امر در بلند مدت موجب توقف فعالیت‌ها و یا انحراف سازمان از اصول و برنامه‌های مشخص شده می‌گردد. برنامه‌ریزی در این سازمان‌ها عمدتاً به صورت کوتاه مدت و براساس نیازهای روزمره انجام می‌پذیرد. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در زمینه طراحی برنامه‌های بلند مدت و استراژیک دچار مشکل می‌باشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

ث- عدم آگاهی این سازمان ها نسبت به نقش و جایگاه خود

سازمان‌های غیردولتی عمدتاً از نقشی که در جهت شکل‌دهی به ساختار اجتماعی و تغییر فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه برخوردار می‌باشند آگاهی ندارند. آن‌ها از رسالت و مأموریت اصلی خود که واسطه میان مردم و دولت‌ها می‌باشند درک مناسبی ندارند.

میزان خود باوری در این سازمان‌ها پایین است و از توانمندی‌های خود غافل اند؛ در نتیجه مطالباتی را که می‌توانند داشته باشند از دولت تقاضا نمی‌کنند. این امر به نوبه خود موجب می‌شود تا دولت نیز نقش و جایگاهی مناسب را برای این سازمان‌ها در نظر نگیرد و حضور آن را در سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های عمومی به رسمیت نشناسد.

نتیجه‌گیری

مسائل سیاسی اوایل انقلاب، گرفتاریهای حاصل از هشت سال جنگ با عراق، عدم استقبال مردم و حاکمیت به دلیل پیشینه ی استبدادی حاکم بر کشور درگذشته، مانع از تحقق عینی و عملی نهادهای غیردولتی در ساختار حاکمیت در سطح کلان شهرها گردید. این پژهش با مد نظر قرار دادن ناکارآمدی سازمان‌های مردم نهاد در عرصه حکمروایی شهری (محلی)، علیرغم تمامی مشکلات و موانع پیش روی فعالیت‌های اینگونه سازمان ها اعم از نبود نگاه حرفه ای و متناسب با جایگاه سازمان های مردم نهاد در میان متولیان امر، عدم تحقق ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه کشور، عدم تفویض اختیارات مناسب برای مدیریت جامع شهری به سازمان های مردم نهاد، بازدارندگی و مقاومت سازمان های دخیل در مدیریت شهری در امر واگذاری و تفویض اختیارات، ابهامات قانونی، منابع اندک آ؛موزشی و پژوهشی بومی شده، به نیاز اساسی جامعه ایران برای رشد و توسعه پایدار در عرصه شهرها از منظر افزایش اختیارات نهاد های مدنی همانند سازمان های مردم نهاد به مثابه حکومت‌های محلی و مطلوب با بهره گیری از شاخص های حکمرانی خوب شهری پرداخته است. در این پژوهش فرض بر این گرفته شد که سازمان‌های مردم نهاد عاملی موثر و نقش آفرین در تحقق مولفه های حکمروایی خوب در شهر تهران هستند. نمونه مورد مطالعه در شهر تهران است که نتیجه بررسی ها نشان از عدم موفقیت این رویکرد دارد. ضرورت ایجاب می کرد برای برتافتن این معضل در سطح محلی، مورد مطالعاتی پژوش، کلان شهر تهران باشد. آنچه از این تحقیق برمی‌آید این است که در حال حاضر سازمان‌های غیردولتی در کشور از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. همانگونه که گفته شد امروزه سرمایه اجتماعی که زیربنای هرگونه حرکتی جمعی و علی‌الخصوص فعالیت‌های داوطلبانه به شمار می‌آید در جامعه در سطح نازلی قرار دارد. لذا با وجود تمایل بالای افراد به شرکت در این گونه فعالیت‌ها (بر اساس نتایج تحقیق میدانی) بدلیل پایین بودن سطح اعتماد و مشارکت در جامعه و عدم وجود ارزش‌های مثبت جمعی مشترک؛ این تمایلات به فعالیت‌های عینی و عملی تبدیل نشده و در سطح خواسته‌های ذهنی افراد باقی مانده است. در چنین شرایطی نمی‌توان از جنبش سازمان‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

غیردولتی تأثیرگذاری قابل توجهی در حوزه‌های مختلف اجتماعی را انتظار داشت. مقوله حکمروایی خوب و شایسته (مطلوب) نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های پراهمیت اجتماعی از این قاعده مستثنی نخواهد بود. همانطور که تحقیقات نشان داد درصد کمی از افراد – چه در خارج و چه در درون سازمان‌های غیردولتی – معتقد به تأثیرگذاری این سازمان ها در حوزه حکمروایی مطلوب هستندو به فعالیت درحوزه سازمان های مردم نهاد نیز تمایل چندانی نشان نمی دهند. حال اگر مشکلات موجود بر سر راه فعالیت سازمان‌های غیردولتی درایران و نیز مخاطرات ناشی از ورود به حوزه های سیاسی را نیز مورد توجه قرار دهیم؛ به نظر می‌رسد در شرایط فعلی این سازمان‌ها در حوزه تحقق حکمروایی شایسته از تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار نیستند و کسب موفقیت و توسعه در راه افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت این امر نیازمند فعالیت هماهنگ کلیه دستگاه‌ها و بخش‌های دولتی و غیردولتی از مدرسه گرفته تا دانشگاه و از روزنامه تا صداوسیما و سایر رسانه‌های همگانی می‌باشد. تغییر محتوای آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش معلمان، قضات، کارکنان دولت، نیروهای انتظامی و پلیس، آموزش اصول و چهارچوب‌های اهمیت بهره گیری از ظرفیت های سازمان های مردم نهاد از طریق رسانه‌ها و علی‌الخصوص صداوسیما، بازنگری در قوانین و مقررات جاری کشور و اصلاح رویه‌های اداری در این فرایند مثرثمر خواهد بود.

با این حال توجه به سازمان‌های غیردولتی و اهمیت دادن به بهبود نقش و جایگاه آن‌ها نیز خواهد توانست به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده نقش مؤثری را در توسعه و ترویج مبانی حرفه ای و متعهدانه بومی شده فعالیت های داوطلبانه، غیر سیاسی و غیر انتفاعی در جامعه دارا باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فهرست منابع و مآخذ

ـ افروغ، عماد، نگرشی دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگ و دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص۴۷.

ـ امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۰)، جامعه شناسی مدنی و توسعه ملی »، نقش و نگار، ۱۳۸۰

ـ بازرگان هرندی، عباس (بی تا)، ارزشیابی آموزشی در سمن ها، کرج – اداره کل ورزش و جوانان

ـ برایسون، ریچارد، برنامه ریزی استراتژیک در سازمان‌های دولتی عمومی و غیر انتفاعی، ترجمه دکتر مهدی خادمی و قربان برارنیا، تهران، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۱۵

ـ پیر نظر، مریم، جامعه مدنی چیست ؟، تهران، انتشارات فرزان روز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۱

ـ راسخ، محمد (۱۳۸۱) ؛ حق و مصلحت، نشر طرح نو – تهران

ـ شعبانی، فاطمه، مجله نافه، شماره های ۵-۶

ـ فرزین پاک، بیانیه شهروندان در خصوص فردا، شهرداری ها، سال ششم، شماره ۷۳

ـ قوام، عبدالعلی جهانی، شدن و جهان سو م « روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل »، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۸۲، ص ۲۸.

ـ کولایی، الهه (۱۳۷۹)، برنامه انجمن مطالعات زنان. شماره ۸.

ـ گلشن پژوه، محمد رضا، راهنمای سازمانهای غیردولتی - موسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات، تهران، انتشارات ابرار معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

ـ ماشینی، فریده، ویژه نامه روز جهانی زن (۱۳۸۱)

ـ محمدی، مجله نافه، شماره های ۵-۶و ۷

ـ مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰)، مجموعه مطالعات مربوط به قوانین سازمان های مردم نهاد (دفتر مطالعات سیاسی)

ـ مرکز پژوهش‌های مجلس(۱۳۸۱)، مطالعات و مستندات مربوط به بررسی جامع تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشور؛وظایف و اختیارات شوراها، معاونت پژوهشی- دفتر بررسی های اقتصادی

ـ معرفت، محمد هادی، جامعه مدنی، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۹.

ـ معصومی، مسعود و میراحمدی، منصور، جامعه مدنی در مطبوعات، قم، انتشارات طاها، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۹

ـ مقنی زاده، محمد حسین (۱۳۸۰)، سازمان های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور

ـ مولانا، حمید، جامعه مدنی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۸۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

ـ واعظی، احمد، جامعه دینی و جامعه مدنی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص۳۷

ـ واعظی، احمد، جامعه دینی و جامعه مدنی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۹

ـ واعظی، احمد، جامعه دینی و جامعه مدنی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص۳۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]